

زمینه های همگرا و واگرا بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آسیای مرکزی؛ فرصت ها و چالش ها

دکتر مسید اصغر کیوان حسینی (استاد پار روابط بین الملل - دانشگاه فردوسی مشهد)
معصومه زارعی هدک (کارشناس ارشد روابط بین الملل)

چکیده

آسیای مرکزی از جمله مناطقی است که از سال ۱۹۹۱ میلادی و به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، از جایگاهی ویژه در مذاکرات متفقه‌ای و بین‌المللی، برخوردار گشته است و اکنون به عنوان یکی از مهم‌ترین زیرسیستم‌های متفقه‌ای جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه، از پیک سو بر پایه عوامل همگرایی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، از فرصت‌ها و زمینه‌های نفوذ و همکاری، برخوردار از طرف دیگر با توجه به عوامل واگرایی با چالش‌ها و تهدیداتی مواجه است؛ که برآیند این امر، همواره در جهت گیری سیاست خارجی ایران در منطقه آسیای مرکزی، تأثیرگذار بوده است. مقاله حاضر، در پاسخ به این مژوال است که مهم‌ترین بسترهاي همگرایی و زمینه‌های واگرایی در سیاست خارجی ایران، در قبال منطقه آسیای مرکزی چیست؟ در این راستا فرضیه مفاده این است که چهار حوزه سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی به گونه‌ای تأمین از ناافتدگان بسترهاي همگرایی و زمینه‌های واگرایی در چارچوب تعامل میان ایران و کشورهای منطقه آسیای مرکزی برخوردارند. در این مقاله سعی کرده ایم به روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از روشن کتابخانه‌ی ای، اینترنتی و اسنادی ضمن شناسایی مهم‌ترین عوامل همگرایی و واگرایی پیش‌روی سیاست خارجی ایران و ارزیابی کلی از خط مشی‌های اتخاذ شده، به ارائه راهکارهای مناسب برای ترسیه و افزایش نفوذ سیاست خارجی ایران در منطقه آسیای مرکزی من پردازیم. چارچوب نظری پژوهش حاضر مبتنی بر نظریه کائنزی و اشیکل، دو تن از نظریه پردازان همگرایی، است.

کلید واژه‌ها: همگرایی، واگرایی، آسیای مرکزی، ایران

مقدمه

منطقه آسیای مرکزی با برخورداری از تاریخی کهن، در میان مددوه‌های سیلادی به عنوان بخشی از اتحاد جماهیر شوروی سابق به شمار می‌رفت پس از فروپاشی شوروی، پنج جمهوری مسلمانشین این منطقه، یعنی قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان، تبدیل به کشورهای مستقل گردیدند. در حال حاضر، این منطقه، وسعت بالغ بر ۴۷۱ میلیون کیلومتر مربع و جمعیت بالغ بر ۶۰ میلیون نفر (با ۱۰ میلیون مسلمان) را شامل می‌شود. منطقه آسیای مرکزی پس از پایان سلطه اتحاد جماهیر شوروی در حوزه‌های مختلفی مانند زلزله‌پیکر (محل للاحتقان فدراتی) و فرامنطقه‌ای و گاز حوزه‌حزر، زوئستراتزیک، زوواکرسومیک (مناطق عظیم التراز) به ویژه نفت و گاز حوزه‌حزر) و بسترهاي مناسب برای خیزش حرکات اسلام‌گرایی دارای اهمیت روزافزون در نظام بین‌المللی گردید. به گونه‌ای که برآورد این تحول را باید نکلنگیری یک بازاری بزرگ جدیده^۱ دانست که جایگزین بازاری بزرگ^۲ در چهارچوب رقابت‌های قرن ۱۹ شده است. این منطقه به دلیل موقعیت زوئستراتزیک و دلاپودن ناخابیر اسرائیل برای ایلات متحده آمریکا و قدرت‌های اروپایی از اهمیت خاصی برخوردار است. تحولات و تراویط این منطقه پس از فروپاشی قدرت‌های واقع در این منطقه شاهنشاهی نمایند در این میان اختلافات قومی، بحران‌ها، بی‌ثباتی و مشکلات اقتصادی در اکثر کشورهای منطقه، فرمصت را برای قدرت‌ها جهت بهره‌برداری از اوضاع ناپایدار این کشورها در جهت مبالغ خود و اعمال میاستهای انتی و انتصادي مورد نظر به وجود آورده است.

^۱- New Great Game
^۲- Great Game

۲ و ۳ آذر ۱۳۹۸ - دانشگاه فردوسی مشهد

تحت چنین شرایطی، بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با ضرورت های جدیدی مواجه می باشد. بر این مبنای متن اصلی مقاله حاضر، این است که مهم ترین چالش ها و فرصت های پیش روی ایران در حوزه آسیای مرکزی گذاشت؟ فرضیه مقاله حاضر این است که ایران در مسیر تعامل با منطقه ای آسیای مرکزی در هر چهار حوزه ای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به گونه ای توسعه با فرصت ها و چالش های مواجه است. دستاوردهای نظری توشتار حاضر می تواند زمینه مبار اتخاذ و بین گیری یک سیاست خارجی رافع گرای بودا و مطابق منافع ملی ایران باشد که در این ارتباط، توجه به مهم ترین بسترهای همگرایی و زمینه های راگرایی خواهد بود. این مقاله مسعی دارد به روشن توصیف - تحلیلی و با استفاده از روشن کتابخانه ای، اینترنیت و اسنادی ضمن شناسایی مهم ترین عوامل همگرایی و راگرایی پیش روی سیاست خارجی ایران و ارزیابی کلی از خط متش های اتخاذ شده، به ارائه راهکارهای مناسب برای توسعه و افزایش تقویت سیاست خارجی ایران در منطقه ای آسیای مرکزی بپردازد.

۱- فرصت های پیش روی ایران در حوزه ای آسیای مرکزی

همه ترین فرصت های پیش روی ایران سرای توسعه روابط و حوزه تقویت و نقش آنها در آسیای مرکزی در محورهای زیر قابل شناسایی است:

(الف) حوزه سیاسی

هر چند در دوران اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری های آسیای مرکزی به عنوان بخش از این امپراطوری، نقش ارتباط مستقیم با نظام بین المللی بودند، اما در میان های بعد از فروپاشی آن، روسد متاسفات این منطقه سادیگر کشورها، حاکم از آن است که این کشورها با گذشت زمان و درک واقعیت های روابط بین الملل به همکاری های

منطقه‌ای برای تعامل پیشتر با نظام بین‌المللی، ترجیه‌نیزه مذوق داشتند. تشکیل روندهای همگرایی معتقده‌ی مانند سازمان همکاری آسیای مرکزی^۱، نمادهای از همین جهت کیفری باید تلقی شود (آیدین، ۱۳۸۰: ۱۷۲). در واقع، این کشورها کوشیدند که برای راهای از سلفه‌ی میانسی رسمی (به عنوان میراث‌دار امپراطوری شوروی) و دستیابی به استقلال عمل در چهارچوب همکاری‌های معتقده‌ای با قدرت‌های معتقده‌ای و فرا معتقده‌ای داشت. از این رو دولت‌های معتقده آسیای مرکزی، کشورهایی چون ایران، پاکستان، هند و... را در چهارچوب سازمان‌های معتقده‌ای مانند اکو^۲ و سازمان همکاری شانگهای^۳ به عنوان «برادری موافقه» گردید^۴. برای تعامل بخشنده به روند میانسی موجود و ماختار مسلسل مراتب در معتقده و کامن از نقش بالا به پایین مسکو لشاره کرد به طور مخفی، شرایط مزبور از فرمات‌های میانسی مناسی برای دستگاه دینامیکی ایران برخوردی برداشت و می‌تواند با تقدیر میانسی گسترش دی برای این دولت همراه باشد.

در مجموع، وجود نظامهای میانسی علاقه‌مند به مشارکت و همکاری معتقده‌ای رین‌العلی و تلاش آن‌ها برای راهای از سلفه ستی روس‌ها را منشأ نیاز به عنوان «هم‌ترین هم‌ترها» و عوامل همگرایی میانسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال معتقده آسیای مرکزی به شمار آورد.

ب) حوزه امنیتی

ظهور معتقده آسیای مرکزی به عنوان یک زیرسیستم مستقل معتقده‌ای، نگرانی‌ها و تهدیدات مشترکی را در حوزه امنیتی، قرارگیری کشورهای این معتقده قرار داده است که فائق آمدند بر آن، حزب از طریق گسترش همکاری ساکشورهای معتقده از جمله

^۱-Central Asian Corporation Organization-CACO

^۲- Economic Cooperation organization-ECO

^۳- Shanghai Cooperation organization- SCO

^۴- Balancer Force

ایران بیشتر نخواهد بود. مواردی مانند تولید و فاچتاق مواد مخدر در افغانستان و ترازیست آن از مطلقه‌ی آسیای مرکزی، بسیاری و نامن در افغانستان، تقویت مجدد جایگاه طالبان در صحته می‌باشد این کشور، گسترش بینادگرایی و ترویجی از جمله تهدیدات مشترک متفقه‌ای در حوزه امنیتی است که من تواند بستر مناسب برای همکاری ایران با کشورهای متفقه آسیای مرکزی به شمار رود.

همکاری امنیتی ایران با کشورهای حوزه آسیای مرکزی را من توان در در مفعح دوچاله و متفقه‌ای، سوره توجه قرار داد در مفعح دوچاله، ایران با توجه به ضرورت‌ها و نیازهای مشترک امنیتی، اقدام به تعصّل موافقت نامه‌های امنیتی (آتش نه به صورت توافقنامه‌های نظامی در چهارچوب اتحادهای استراتژیک) نمود. در این چهارچوب، ایران تلاش نموده مسائل مانند مهاجرت غیرقانونی، ترازیست مواد مخدر و فاچتاق کلا را که با توجه به خلاصه قدرت پیش آمد در متفقه، به ویژه در طی دهه ۹۰ میلادی، نتیجت نیز یافته سودا به گونه‌ای کنترل و مدیریت نماید؛ اما پس از عضویت ایران به عنوان عضو ناظر در سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۴ میلادی، همکاری ایران با کشورهای متفقه‌ی آسیای مرکزی از مفعح دوچاله به مفعح چندجانبه و متفقه‌ای ارتقاء یافت. بدین ترتیب که کشورهای این متفقه که پیش از آن در چهارچوب سازمان امنیت دسته جمعی، همکاری‌های امنیتی را در مفعح کشورهای متعلق مشترک المصالح بسیاری می‌نمودند، در چهارچوب این سازمان نویلاد (شانگهای)، متفقه‌ای به مرتب وسیع تر را در حوزه‌ی امنیتی پیش روی خود گشودند که ایران نیز یکی از مهم‌ترین باریگران آن به حساب می‌آمد. به عبارتی دیگر، سازمان همکاری شانگهای، مدلی جدیگرین برای همکاری چند جانبه در آسیای مرکزی با رویکرد شرق ارائه نمود (واعظی، ۱۳۸۵: ۱۵).

بر این اساس، تشکیل سازمان همکاری شانگهای در آغاز هزاره سوم را من توان پاسخ کشورهای متفقه به تهدیدات و تحریک‌های امنیتی مشترک دانست. این سازمان

که با هدف اعتمادسازی بین کشورهای منطقه، مبارزه با تروریسم، امنیت‌گردانی مذهبی و جذابی طلبی و در سطح کلان به منظور مقابله جویی ساهمونی یکجانبه‌گری امریکا، با عضویت کشورهای روسیه، چین، ایکستان، قرقیزستان، تاجیکستان و عضویت ناسخ ایران، پاکستان، هند و مغولستان تشکیل شده است؛ با اهداف امنیتی و میانست خارجی ایران در سطح منطقه‌ای و هم در سطح اسرازیک، همراهان های زیلایی دارد. در سطح اسرازیک، ایران، ساختهای یکجانبه‌گردانه ای و اشکنگن را مختلف منابع و انتیت ملی خود ارزیابی کرده و بر این اساس، "ساخت نگاه به شرق" را یکس از راههای تعديل و موثره بخش به هژمونی امریکا فراموش می‌کند. از این رو، بیان شانگهای برای این دولت از مظلوبیت راهبردی بالای برخوردار است. در این ارتبا، بعضی کرامتی امنیتی شانگهای و قوی‌آن برای ایران، من توانم یعنی گوری های این سازمان در جهت بسته شدن دو پایگاه مهم نظامی امریکا در خان آباد ایکستان و مناس قرقیزستان توجه کرد که از تحدید حوزه عمل نظامی این دولت در سطح منطقه‌ای حکایت دارد (اعطی، ۱۳۸۵).

ج) حوزه اقتصادی

هرچند در مراحل اولیه اسلامی ایلی، اقتصاد جمهوری های آسیای مرکزی به عنوان میراث دوران اتحاد شوروی و نظام بر تأمیری اقتصادی آن، به طور پیچیده‌ای در هم تنه بود، اما به تدریج در سایه طرحی و اعمال برنامه های پیومن جدید، این اقتصادهای همیشه و وابسته به یکدیگر در مسیر جدایی از هم قرار گرفت؛ خرکشی که به ضرور زمان و در پیش از میان رفتن نظام دو قطبی، به سمت همکاری های منطقه‌ای هدایت شد (کولای، ۱۳۸۴: ۳۷-۳۴). در این ترتیب، ایران از فرست های فراوانی برای ایجاد و گسترش روابط اقتصادی با کشورهای منطقه برخوردار شد، که در این میان برخورداری این دولت از ظرفیت های خاص قنس و نکنولوژیک به شدت تأثیرگذار بوده‌ای اشتاین میزان تبخیش جهت گیری عمل گردانه ایران در

حوزه روابط اقتصادی در این منطقه، می‌توان به چند مورد حساس شماره کرد؛ از جمله اینکه تامسال ۲۰۰۴، تهران توالت که ۲۶۸ مراکفتامه، پادشاهیت تفاصیل و بروتکن با این جمهوری‌ها معقد شدید، که از این تعداد، ۱۹۲ سند در مورد روابط اقتصادی و همکاری‌های اقتصادی بوده است. در این مورد می‌توان به تفاوتات حمل و نقل، پروره موائب نفت، همکاری در امور ساختمان، ساخت بروگه‌های برق آبی، بیان‌های آبیاری و به وزیر سدسازی و ایجاد زیرساخت‌های عظیم جاده‌ای و ریلی توجه کرد که از مهمترین زمینه‌های همکاری‌س در حوزه اقتصادی بین ایران و کشورهای این منطقه می‌تواند محسب شود (افسر «حمدان»، ۱۳۸۴: ۲۰۷). با این وصف، برآیند همکاری‌های منطقه‌ای را باید پیوستن کشورهای آسیای مرکزی به سازمان همکاری اقتصادی (اکو) در سال ۱۹۹۲ دانست که مهمترین و گسترده‌ترین همکاری اقتصادی این کشورها با ایران به شمار می‌آید. در طیول تقریباً دو دهه گذشته، طرح‌های فراوانی در حوزه‌های مختلف مانند ایجاد زیرساخت‌های شبکه‌های رسانه‌ای و اعضا ای اتحادیات سانک و مالی و... در چهارچوب اکو به اجرا در آمد. از این رو، تقویت اکو و پرطرف نمودن نقاط ضعف و آسیاب‌های آن به منظور کارایی پیش این سازمان می‌تواند گام مؤثر در تقویت روابط اقتصادی ایران با آسیای مرکزی باشد. در این میان، ایران از دیدگاه ترتیت و حمل و نقل برای این کشورها حائز اهمیت فراوانی است، چرا که کشورهای مربوط نسلانش گسترده‌ای دارند تا از طریق نوع بخشیدن به مسیرهای متین دوران شوروی، راستگی خود را به این راهها که اکثر آنها، طریق رقابت بمسیرهای مشابه است و توجیه اقتصادی ندارند، گاهی داشت (یگانی، ۱۳۸۱: ۲۰۷). این وضعيت در شرایط توجه به موقعیت جغرافیایی کشورهای چون قرقیستان که پهناورترین کشور محصور در خشکی جهان است؛ و ازبکستان که تنها کشور محصور تر در خشکی است که برای دسترسی به دریا باید حدائق از دو کشور همسایه عبور نماید (محجهد زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۹) از اهمیت خاصی

برخورد می‌شود در چنین شرایطی ایران با دارا بودن بیش از دو هزار مایل خط ساحلی در جنوب، دسترسی مناسب و مطمئن به بازارهای جهانی را به کشورهای محصور در خشکی شمال از آسی می‌دارد این ارتضاه، کوتاه‌ترین، سریع‌ترین، آمن‌ترین، و اقتصادی‌ترین مسیر را از منطقه خزر-آسیای مرکزی به بازارهای جهانی که شامل شبه قاره هند، ژاپن و خاور دور می‌شود را فراهم می‌کند. ایران، نیروی انسانی منهر در فن آوری نفتی، یک سیستم حمل و نقل تسبیح توسعه یافته و نیز زیرساخت‌های کشتیرانی را دارد می‌باشد. ایران همچنان شادر، پالایشگاهها و شبکه‌های شایان توجهی از لوله نفت و گاز را در اختیار دارد که مردم‌های تجارتی و مدنی اوری قابل ملاحظه‌ای را برای صادر کنندگان نفت و گاز فراهم می‌نماید (Mojtahed, ۲۰۰۵).

در محسر، رخداد متوافق دین به تاریخ از روابط گسترده اقتصادی مانند ۱۶۰۰ سال استفاده، مقطع از جاده تاریخی ابریشم و نیز طرح‌های چون راه آهن مراسی آسیا، بزرگراه آسیایی و کریدور شامان-جنوب و نیز خط اوله گاز نایاب کو (ترکمنستان-ایران-ترکیه) و نیز خط اوله فراقفقستان-ترکمنستان-ایران می‌تواند مهم‌ترین فرسته‌های پیش‌روی ایران در آسیای مرکزی؛ چه به صورت دوچاله و چه در قالب مازمان همکاری اقتصادی (اکو) و شبكه‌های در حوزه اقتصادی باشد.

د) حوزه فرهنگی

دیرنگی و ابعاد روابط فرهنگی ایران و آسیای مرکزی به عهد فرماتور ایران مخاطبی و حقیقی بیش از آن می‌رسد. ذریوش در کتب معروف نقش رستم در کتاب دیگر سرزمین‌های رایسه به امیر اطهوری خود از سرزمین‌های بلخ،^۱ مسند^۲ و

^۱- Baxtris
^۲- Soguda

۶ و ۷ آبان ۱۳۵۹، دانشگاه فردوسی مشهد

خوارزم^۱ به عنوان شهرهای ایران پادشاهی نکند. این نکته از سوی سورخین یونانی و زومی نیز تأیید شده است. اما اوج روابط فرهنگی ایران با این ملت‌ها در عصر تمدن اسلامی شکل می‌گیرد که حاصل آن، پیادایی داشتمان و دلاسله عالی قدری همچون ابرعلی سپاه، فزارابی، ابوریحان بیرونی و شاعرانی چون رودکی و بلخی است (کولایی، ۱۳۸۰: ۷۷-۹۰). از همان روزهای آغازین استقلال این کشورها، ترمیمهای روابط فرهنگی با کشورهای آسیای مرکزی در دستور کار مسئولین ایران قرار گرفت و تقریباً این دولت جزو^۲ کشور اسلامی بود که استقلال این کشورها را به رسمیت شناخت و متعاقب آن، روابط دیلماتیک خود را با آنان پایه‌گذاری و میزان اقدام به تأسیس نمایندگی فرهنگی در ۱ جمهوری از ۵ جمهوری تمرد در این میان، ایران از امتیازات و ویژگی‌های خاصی برخوردار است از جمله:

۱- هم‌آین و هم‌کیش^۳۲- فراموشی^۴۳- اشتراکات فرهنگی - تاریخی^۵

۴- اشتراکات زبانی با برخی از اقوام

۵- حضور ایرانیان مقیم (ابراهیمی، ۱۳۸۰)

در تکمیل این بحث من امکان به وحدت از این دوی این بیش از ۱۲ میلیون مسلمان (اگرچه متفاوت از نظر مذهبی)، اشتراکات زبانی در زیر مجموعه‌ی گویش‌های زبان فارسی، به ویژه در تاجیکستان، شهر اورش در جنوب فرقستان، وجود شبههای فرهنگی با ایرانیان، به ویژه در تاجیکستان، دره‌ی فرغانه در کنار رود زرافشان و سمرقند و بخارا در ازبکستان و نیز سرو و عشق آزاد (اغظیم، ۱۳۸۷: ۱۳) شاره کرد. از این رو، حوزه‌ی فرهنگی، یکی از مهمترین بسترهاست این است که ایران می‌تواند با ارتباطی سطح

و حجم همکاری با کشورهای منطقه، زینه همگرایی بیشتر در عرصه‌ی میامی خارجی را فراهم نماید.

۴- چالش‌های موجود در برابر الگوی تعامل سازنده ایران در آسیای مرکزی

در کنار تصریحات مورد اشاره، باید از زینه‌های عوامل چالش آفرین سخن گفت که بر دامنه‌ی منافع منطقه‌ای ایران در حوزه‌ی مورد نظر (آسیای میانه) اثابر منفی یا کند کننده دارد. این موارد نیز در قالب پیش‌گفته قابل طبقه‌بندی است.

(الف) حوزه سیاسی

تفاوت در ماهیت نظام‌های سیاسی

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری‌های آسیای مرکزی در میان انفال از نظام‌های کمونیستی به نظام‌های مبتنی بر توسعه‌ی نفوذ و حضور صردم، حرکت کنندی را در پیش گرفتند. روند غرب گرایی که از روسیه آغاز شده بود، در این منطقه نیز با تقلید از مدل‌های غربی ساختارهای مبادی دنبال شد. اگرچه در این نظام‌ها ابتدا به حکومت‌های مبتنی بر قدرت پارلمان توجه گردید، اما با توجه به فرهنگ سیاسی نخبگان آسیای مرکزی، تعادل‌های مبتنی بر قانون اساسی و نهادهای واقعی قدرت سیاسی، در عمل دچار اختلاف شدند. در این جمهوری‌ها، دموکراسی‌های پارلمانی به مرتضع، جای خود را به نظام‌های اقتدار‌آمیز ریاست جمهوری داد (شیرازی، ۱۳۸۴: ۲۶-۱). برآیند ماهیت اقتدار گرایانه در عرصه‌ی میامی داخلی کشورهای آسیای مرکزی که با شاخص‌های چون محدودیت انفال و چرخش قدرت، ضعف بهادسازی، تضعیف روند دولت‌سازی^۱ و ملت‌سازی^۲ همراه

^۱- State-Building

^۲- Nation-Building

برده است، در عرصه میاست خارجی، جالش‌های را برای کشورهای مختلف، به ویژه ایران ایجاد نموده است که تأثیر منفی بر گسترش همکاری‌های فن ماین بر جای نهاده است.

ایدلولوژی‌های سیاسی متفاوت

ایدلولوژی میاسی که در این مقطع جای گزین کنیسم گردید، ایدلولوژی "ایتدل‌گرایی مسکولار" می‌توان نامید، که منس بر فلسفه‌ی بازار آزاد است. دیدگاه رهبران میاسی این کشورها برای توجیه ضرورت توسل به این نوع ایدلولوژی، این سود که دوره‌ی حاکمیت استبدادی، گامی لازم در دوره‌ی گذار از سیستم استبدادگرایی کنونی به ذوق‌رسانی لیسا می‌باشد. این مبتدا نظام سیاسی - مذهب ایران با ماهیت اقلایی و ازمان‌گرایانه مسلط بر عرصه نهضم مازی خارجی، در برای نظام‌های سکولار اقتصادگرای آمریک مرکزی با پیش‌جایی مواجه است (Luongo, ۲۰۰۶).

این نتائی در میاست خارجی

استقلال ناخواسته جمهوری‌های آمریک مرکزی، رهبران و خیگان این کشورها را که فاقد هرگونه تجربه‌ای در عرصه میاست خارجی بودند، در وضعیت دشوار قرار داد. اتحاد میاست خارجی متفاوت و بعض‌اً متعارض با ویستگی شدید و تأثیرپذیری از سیاست‌های مسکو از یک سو و همایی با قدرت‌های فرماندهی مانند اروپا و آمریکا از یک طرف و همگرایی مطلع‌ای با کشورهای مختلف چون ایران، چین و... از سوی دیگر، نموده‌ای از پیشانی در اتحاد میاست خارجی مستقل و بایات از سوی این کشورها باید نقی شود.

اختلافات و رقابت‌های درون منطقه‌ای

پکن از عواملی که به صورت سازی بر روی همگرای منطقه‌ای ر توسعه دی می‌نماید کشورهای منطقه آسیای مرکزی با کشورهای همسایه از جمله ایران در روابط دوجانبه و نیز در چهارچوب سازمان‌های منطقه‌ای مانند اکو تأثیر ملکی بر جای گذاشته است، رقابت‌ها و اختلافات کشورهای آسیای مرکزی با یکدیگر است رقابت میان قرقستان و ازبکستان بر سر رهبری در منطقه و با اختلاف تاجیکستان با ازبکستان بر سر عالیکیت بخارای تاریخی، نموده‌هایی از اختلافاتی است که در رسمیات همکاری و گسترش همگرای منطقه را به صورت جدی، تحت تأثیر خود ترار می‌دهد.^(Blank, ۲۰۰۶)

۱- دخالت بازیگران منطقه‌ای

خدوه‌ترین بازیگران منطقه‌ای مؤثر در منطقه آسیای مرکزی را باید رومبه و چون دانست. حضور مؤثر و پرنسپل این دو کشور در آسیای مرکزی، مانع جدی برای تحقق اهداف سیاست خارجی ایران به شمار نمی‌رود. به طور فسرده، مهم‌ترین زمینه‌ها و عوامل حضور این دو قدرت در آسیای مرکزی به صورت زیر است:

الف) رومبه

هر چند، رومبه پس از فروپاشی شوروی به دلیل غلبه دیدگاه "ادغام و یکسازی" در دوره پانزیمن به سمت غرب گرایش پیدا نمود، اما از سال ۱۹۹۶ و تحت تأثیر دکترین پرماساکف (نخست وزیر وقت)، سیاست نگاه به شرق در دستور کار این دولت قرار گرفت، که بخشی از اثرات آن را در توجه ریشه به منطقه‌ای آسیای مرکزی و قفقازی منشأ می‌گرداند که از آن به عنوان حوزه مستن لفظ

روسمه و با «خارج نزدیک»^۱ نام برده می شود. مطابق این دکترین، رومبه دارای منابع اقتصادی و امنیتی دیگری در این منطقه است که دیگر سایر کرمان منطقه‌ای را فراموش نمایند. تاچار به یادبردن آن می‌باشد (حاجی پوسفی، ۱۳۸۴: ۱۱۰). برعکس این اثبات را کرده می‌باشد، سیاست رومبه در این منطقه پر در پایه اقتصادی و امنیتی استوار است. در بعد اقتصادی، سکونت با بهره گیری از ابزار اسراری، حمل و نقل، ارتباطات سعن در تقویت همگرایی در جامعه کشورهای مستقل منطقه را دارد و در بعد امنیتی، این دولت با استفاده از مکرنسی های امنیتی کشورهای این جامعه (افراد اکرانی مذهبی، قاضیان ملامخادر و ترویسم بین المللی) سعن در کنده تصور دن روند و اکرانی در بین این مجرمراه را دارند به طور کنک، عواملی که باعث چالش و نگرانی رومبه در قفقاز جنوبی فراهم آورده است، عبارتند از: ورود غرب به منطقه، درخواست جمهوری آذربایجان و گرجستان به سمت پیوستن به ناتو، نامشخص بودن ادعه‌ای حضور پایگاههای رومبه در گرجستان، خروج نظامیان رومبه از منطقه قفقاز، استقرار پایگاههای نظامی شاتر در منطقه، مسیرهای انتقال اسراری، تهییم رژیم حکومی در سای خزر، شکل های میانسی و امنیتی نظری گوای برای تعصیف جامعه کشورهای مستقل منطقه را (عمر حمدیان، ۱۳۸۴: ۶۰۷).

ب) جمهوری خلق چین

برای فرنها یک روند فشرده از همکاری فرهنگی، علمی و اقتصادی میان مردم چین و آسیای مرکزی، به ویژه از طریق جناده ای ابریشم وجود داشته است. در حال حاضر، این کشور با سه جمهوری قرقیستان، قرقیستان و تاجیکستان دارای مسیر مشترک به طول بیش از ۲۸۰۰ کیلومتر است کن با توجه به خلاً قادر است بیش امده بین از فروپاش شوروی به دلیل برخورداری از منابع گسترده اقتصادی، ملاحظات و

^۱ Near Abroad

دغذای امنیتی و میانس در حوزه مسائل قومی، مذهبی و نظامی، به ویژه حضور امریکا در منطقه و گسترش ساتو به شرق، توجه رسانه‌ای به منطقه آسیای مرکزی؛ چه به صورت دوجانبه و چه چندجانبه در قالب سازمان همکاری شانگهای نشان داده است؛ که این امر، فضای را برای حضور ایران در منطقه، تکثیر می‌کند و دشواری‌های را پیش‌روی می‌آورد خارجی ایران قرار می‌دهد.

۴- حضور بازیگران فرامنطقه‌ای

زمینه‌ها و عواملی چون خلا قدرت ایجادشده پس از فروپاش شوروی، موقعیت زنپریکی منطقه، استقرار در نزدیکی تقاضع آسیا و اروپا، دارای بودن دو میان مخازن بزرگ انرژی دنیا، بازار مصرف ایسو و روز به رشد و تمایل کشورهای آسیای مرکزی برای حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای با هدف کاهش و بستگی به رومبه و جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه اقتصادی، باعث حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی گردیده و موانعی جدی برای حضور می‌فرمود ایران را به وجود آورده است. عدم توان قدرت‌های فرامنطقه‌ای مؤثر در تحولات آسیای مرکزی عبارتند از:

۱- ایالات متحده امریکا

پس از استغلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، شرکت‌های نفتی اولین گروه امریکایی بودند که وارد منطقه شدند و وجود منابع غنی نفت و گاز، توجه دولت امریکا به کشورهای منطقه را بیشتر نموده و این کشور دستیاری به منابع انرژی و حضور در بازارهای منطقه را به عنوان سیاست اقتصادی خود انتخاب نمودند (Cornell,^{۲۰۰۵}). به تدریج و به خصوص در دوره دوم ریاست جمهوری کلینتون، اهداف و سیاست‌های امریکا در آسیای مرکزی تا حدودی مشخص شد و اهمیت این منطقه نزد میانه‌داران امریکایی افزایش یافت و نسلانه‌های این دولت برای دستیابی به این اهداف حالت منجم ترسی به خود گرفت. برخی از عواملی که از نظر دولت

۹ و ۵ آبان ۱۳۸۸، دانشگاه فردوسی مشهد

آمریکا به این منطقه اهمیت می‌بخشد، عبارتند از: اولًا بنا نوجوه به افزایش نیاز به انرژی در آینده، وجود منابع نفت و گاز بر اهمیت این منطقه افزوده و موجب رقابت برخی از قدرت‌های اقتصادی برای سلطه بیشتر بر منابع انرژی شده است (علیراوه، ۱۳۸۰) ثانیاً کشورهای تواند کنده نفت در این منطقه به دریای آزاد راه ندارند و این امر مانع در راه رساندن نفت و گاز به سایر مناطق دنیاست که این خود وضعیت سیاسی منطقه را بیچاره، ترکرده است (الثنا)، رقابت قدرت‌های اقتصادی و فرامنطقه‌ای برای حضور و تضاد در منطقه مانند کشورهای روسیه، ایران، ترکیه، اسرائیل، و برخی از کشورهای اتحادیه اروپایی. ریاعیت زنوباتیک معتقد به وزیر پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان و عراق، به این منطقه از نظر نظامی و امنیتی جایگاه ویژه‌ای در میان امریکا بخوبیه است. با عنایت به موارد یاد شده، مهمترین هدف آمریکا در آسیای مرکزی حفظ وضع موجود، حضور و تقدیر سیاسی اقتصادی و امنیتی دواز مدت و مقلنه با بیرونیان می‌باشد که در راستای منافع آمریکا قرار ندارند.

۲-۲. اتحادیه اروپا

پس از فروپاشی شوروی، کشورهای اروپایی در جستجوی جذب کشورهای آسیای مرکزی و فرقان در میان خود بوده‌اند. از دیدگاه اروپا، فرقان بخشی از اروپا و یا همسایه بلافضل اروپا می‌باشد. به همین دلیل اروپا برای همکاری با کشورهای منطقه به وزیر در زمینه انرژی و حمل و نقل همیت زیادی قائل است. در این راست، برنامه‌های متعددی از سوی اروپا در فرقان و آسیای مرکزی طراحی شده است. از جمله، منسون پس برنامه معروف به تراسکا (TRACECA) انتشاره کرد که کربلا در میان اروپا - آسیا را تعریف می‌کند و نیز برنامه دیگری موسوم به اینوگات (INOGATE) در زمینه روان شر کردن انتقال انرژی از منطقه به اروپا، اشاره کرده (فرنگی، ۱۳۷۸)،^{۵۹} در واقع، یکی از مهم‌ترین دلایل حضور اروپایی‌ها نیاز روزانه‌ترین قیاره اروپا به

التری، به ویژه گاز مصرفی است. در حقیقت، به دنبال پروردگاری مشکلات میانی بین اروپا و روسیه، سیاست‌مداران اروپایی در پس شویختی به منابع تأمین انرژی هستند تا بتوانند در مقابل بهره‌گیری کرملین از انرژی به عنوان امنیت فشار، مقاومت نمایند. از این رو، منابع عظیم انرژی آسیای مرکزی، مورد توجه جدی اروپاییان قرار دارد که این امر می‌تواند به زندگانی برای پروردگاری میان دولت‌های اروپایی و ایران تبدیل شود (خانی، ۱۳۸۱: ۱۲۷-۱۲۸).

۳-۲ ترکیه

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، آنکارا تلاش نمود خلاً قدرت ایجاد شده در منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز را با اتحاد کشورهای ترکیستان در میانه روزگرد "پان‌ترکیسم" پر نماید. بر این مبنای ترکیه با توجه به پیوندهای عمیق تاریخی، فرهنگی، قومی و زبانی با دولت‌های تازه استقلال یافته به عنوان «برادر بزرگ‌تر» برای کشورهای ترکیستان منطقه، مانند آذربایجان، قرقیستان، قرقیزستان، ترکمنستان و ازبکستان در چهارچوب ایدئولوژی پان‌ترکیسم می‌دریجاد «ترکستان بزرگ» دارد که با تحریک احساسات و میاستهای ضد ایرانی و ضد روسی می‌نماید در تحقق اهداف خود دارد (هاتیگنون، ۱۳۷۸: ۳۳۳). بدون تک از قدرت‌های مؤثر و با نفوذ در آسیای مرکزی را باید ترکیه دانست: میاستهای این کشور، چالش‌های جدی را برای حضور مؤثر سیاست خارجی ایران در این منطقه ایجاد کرده است؛ «نهام‌ترین دلیل توجه خاص ترکیه به مناطق مجاور خود، به ویژه کشورهای همسایه، یعنی آسیای مرکزی و قفقاز، فروپاشی شوروی و در نتیجه، تعییر در ماهیت تهدیدهای امنیتی از تهدیدهای خارجی به تهدیدهای داخلی و همجتنی ایجاد فرهنگ‌های جدید در منطقه آسیای مرکزی نقش می‌باشد» به عبارت دیگر، حضور ترکیه در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، به ویژه فرهنگی و زبانی، چالش جدی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی به شمار می‌رود (حاجی بوسفی، ۱۳۸۱: ۷۷).

۴-۲ اسرائیل

اسرائیل، قدرت فرامغتصه‌ای دیگری است که به صورت خزندگان در حال انتراپش حضور خود در منطقه آسیای مرکزی می‌باشد. برقراری پیوندهای تجاری، به ریشه اتری و در برخی موارد، همکاری‌های علماً با کشورهای منطقه، چنانش و تهدیدی جدی برای جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌زود. در واقع، می‌باشد تل آویو در این منطقه را من توان در راستای دکترین من گورین، تحت عنوان اتحاد با پیرامون به منظور شکننده حلقه محاصره، کشورهای مختلف اسرائیل در منطقه، حمایت از بهودیان ساکن منطقه، چلب همکاری و حمایت کشورهای منطقه در مجامعت بین‌المللی، و اگرایی در روایت کشورهای حوزه آسیای مرکزی با ایران و نیز اعمال لشکر بر محیط پیرامونی و امنیت ملی ایران تفسیر کرد. به عبارت دیگر، پیش روی اسرائیل در زمینه‌های مختلف در کشورهای آسیای مرکزی ناحداره زیادی، نائی از این است که این رژیم کشورهای منطقه را قابع کرده است که راه رسیدن به کمک‌های غرب از تل آویو می‌گذرد. این جمهوری‌ها نیز هر چند موافق می‌باشد اسرائیل نیستند، اما همکاری با آن را پذیرفته‌اند تا از این طریق به کمک‌های مالی، تجاری و فنی غرب دست یابند (بصیری و ایزدی، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

ب) حوزه امنیتی

در پس استقلال کشورهای آسیای مرکزی، کشورهای این منطقه، دبیار توسعه خواهند ندارت گشتند؛ بحرا که هیچ یک از آنها با قدرت و سازماندهی نظامی کافی برای دفاع از استقلال و تمامیت ارضی خود که از جمله مبالغه حیاتی آنها به شمار می‌زود، برخوردار نبودند. در این شرایط، کشورهای مختلف از جمله روسیه، چین، ایران، پاکستان، ترکیه و آمریکا در صدد پسر کردن این خلا قدرت برآمدند. در همین راسته، روسیه که همچنان این منطقه را از جمله مبالغه حیاتی و حوزه نفوذ تجاری خود

نافر می‌کرد، تلاش نموده تا با ایجاد سازمان کشورهای مشترک امنیت (CIS) را می‌پسندید. این امیت دست چمیں بین خلأ را پس نماید (استانبول، ۱۳۸۱؛ ۱۰۶-۱۰۵). از مسوی دیگر، تحولات پس از ۱۱ سپتامبر در شرق، شمال شرقی و شمال ایران از حمله حضور نظامی امریکا در افغانستان و آسیای مرکزی، از بین رفتان سلطنه طالبان ر القاعده در افغانستان و نیز گسترش ناتو به شرق در قاتب برگامه «اشارتکت مراجی صلح»^۱ محبوط انتی اسپای امریکی را دچار تحول انسانی نموده و صفت‌بندی نیروها را به کنی دگرگون نمود. در حقیقت، والعه‌ی سپتامبر را می‌توان مراحل حضور نظامی امریکا در آسیای مرکزی و نقش محسوب کرد. پس از سقوط رژیم طالبان و استقرار نظم میانی جدید در افغانستان و با نوجه به مراحلی که در موقوفت‌نامه‌ی بنی‌یهودی شده بود، اختصار می‌رفت که امریکا در مورد خارج ساختن نیروهای نظامی خود از آسیای مرکزی تجدید نظر کند؛ اما بین دولت اسلام داشت که همچنان به پایگاه‌های نظامی خود در آسیای مرکزی، نیازمند است؛ زیرا هموز مبارزه و جنگ با تروریسم یادان نیافر است.

اگرچه به دلیل اندازه‌ی جهانی از سیاست‌های پیکچاره و اسکنن، پایان حاکمیت توافق‌کناران و تغییر قدرت در کاخ سفید، فرایند نیروهای امریکایی در افغانستان و تقویت روزانه‌رون مکابیسم شانگهای برای مقابله با حضور نظامی ایالات متحده در منطقه، در شرایط کسونی حضور نظامی ایالات متحده با جهانشناختی سپار جدی مواجه است، اما برای حل‌گیری از وضع ساریوهایی که هم به نفر ایران و هم کشورهای مختلفه است، این دولت باید، ابتکار عمل برای ایجاد پیک ساختار جدید در منطقه که شامل تعامل آنها باشد، را در دست گیرد که یکی از مؤثرترین راهبردها در چارچوب روابط میان تهران و سازمان همکاری شانگهای می‌تواند به پیش رود. با روند رو به گسترش ناتو به سمت شرق، دیر بنا زود، ایران باید

۲۰ آبان ۱۳۸۹ - دانشگاه فردوسی مشهد

به فکر مکاتبی برای مشارکت و همکاری با این پیمان باشد. به نظر من (من) ناوجوه به جهت گیری این پیمان بدون حضور آمریکا، احتمالاً جهت گیری آن مستقل شر و به منافع کشورهای مختلفه تزدیکتر باشد (موسی، ۱۳۸۱: ۵).

نکته دیگری که باید بدان توجه نمود، این است که علی رغم همپوشانی های این میانست ایران و سازمان همکاری شانگهای در مقابله با تهدیدات مشترک مختلفه ای و ایران مختلفه ای مانند تروریسم، جنایی طلب، پنهانگرایی مذهبی، مسئله مواد مخدر و مقابله با نفوذ نظامی آمریکا و ناتو وجود دارد که به سهم خود من تواند فرصت های برای میانست خارجی ایران محسوب گردد؛ اما تفاوت در برداشت از معنی تروریسم و پنهانگرایی مذهبی بین جمهوری اسلامی ایران و حکومت های سکولار آسیای مرکزی و از آن تصریبی مدخله بپرسانه در میانست خارجی ایران از سوی قدرت های فرامختلفه ای نوام با حضور نظامی گسترده آنها نیز از مهم ترین چالش های فراری میانست خارجی ایران در حوزه امنیتی مختلف آسیای مرکزی محسوب می شود.

ج) حوزه اقتصادی

عوامل گوناگونی که در میان تحرک اقتصادی ایران در سطح مختلفه می تواند مشکل افسرین باشد؛ در دو سطح داخلی و خارجی قابل تقسیم بشده است. در سطح داخلی مهم ترین مسئله اقتصادهای ضعیف و شکننده کشورهای مختلفه است که هنوز در اران گلزار از اقتصادهای منفرگز سومیلاریستن به مدت اقتصاد بیانلر آزاد را به طور کامل طی ننموده اند. افزون بر مردم مذکور، من توان به عوامل زیر اشاره کرد:

- فقدان یک سازمان تجاری قابل و منجمد

- ضعف بخش خصوصی و در اختیار سودن ابرارهای اقتصادی در دست دولت ها

(به عبارتی، اقتصادهای منفرگز و دوئی)

- وجود فساد و رشوه

- فقدان سیاست های مناسب با نکن (سید احمدی ران، ۱۳۸۴: ۱۱۱)

در سطح خارجی، دخالت قدرت‌های متفقه‌ای و نیز فرماندهی، تابیل توجه است. در این زمینه، وایستگی‌های ساختاری قدرت‌کشورهای متفقه به قدر اسپون رسمی و نلاش مسکو برای حفظ و تداوم سلطه اقتصادی خود، نقش را برای حضور ایران بسیار محدود ساخته است. از سوی دیگر پایانه تلاش وایستگان اشاره نمود که برای دست‌یابی به منابع نفتی خاور و آسیای مرکزی با هدف کاهش وایستگی به منابع نفتی خاورمیانه و هم‌سان، پیگیری استراتژی مسدودی کردن ایران در منطقه، نفوذ طبیعی خود را جلوگیری از عبور خطوط نفت و گاز، آسیای مرکزی از ایران به عنوان ارزان‌ترین و نزدیک‌ترین مسیر می‌داند. بدین ترتیب، مهمنامه این تأثیر منفس ایالات متحده بر حضور مؤثر ایران در آسیای مرکزی را پایان کارشکن این کشور در انتقال منابع عقیم ارزی متفق به بازارهای جهانی از طریق ایران داشت. اهداف آمریکا، شامل در بخش بلندمدت و کوتاه‌مدت است که در بخش کوتاه‌مدت آن، ترجیح خطوط نوئه انتقال نفت و گاز از منطقه دریایی خزر به صورت شرقی - غربی در برابر خطوط نوئه شمالی - جنوبی است. معنای دیگر مخزن، آن است که هر گونه نویسه اقتصادی در منطقه، می‌بایست به تفعیل روش‌های غرب‌گردانیهای آمریکا و ترکیه باشد، که در مقابل، به فرسر مسدود کشورهایی مانند روسیه و ایران می‌باشد (عنکبوت، ۱۳۸۷: ۱۵۶).

د: حوزه فرهنگی

نظام اسلام شیعی و نیز اقلاییس با اسلام سن ارانه شده در چهارچوب نظام‌های سکولار آسیای مرکزی، نفوذ فرهنگی و زبانی قدرت‌هایی چون روسیه و فریکیه تبلیغات وسیع نمای ایرانی از سوی قدرت‌های فرامتفقی می‌چون ترکیه و آمریکا را پایان از مهمنامه این عوامل و اگر ایس ایران و آسیای مرکزی در حوزه فرهنگی به شمار آورد نکته قابل توجه، آن است که کشورهای آسیای مرکزی پس از استقلال، دچار نوعی بحران هنری و مستروحتی گردیده و در مرحله گذار از «ملت سازی» و «دولت سازی» می‌باشند. از این رو، برای جبران خلاصهای موجود، دست به تاریخ‌سازی و در دولتی جعل تاریخ می‌زنند تا همین جذب و مستقیم خود را به کشورهای متفقه و جهان ارانه

۶ و ۵ دی ۱۳۸۹ - داشگاه فردوس منهد

نهاد. از این رو به مظنویه بهره‌گیری از پتانسیل های موجود و کاستن از عوامل چالش‌زا در حوزه فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران پایامد بر تعاونی واقعیت‌بناهه را انتخاب استراتژی تاهم ر تعطیل با نکره بر تقویت فرهنگ ایرانی- اسلامی به جای خلبانی پالتوپولیتیک فرهنگ اسلامی از نوع جمهوری اسلامی در تنظیم روابط بین حکومت در سیاست خارجی است. از این در تعیین نقش مبوت فرهنگ ایرانی- اسلامی و تقابل آن با آنمونیلیم ملی (ترکی) و چالش‌های تائی از روابط فرهنگ ایرانی با فرهنگ ایرانی- اسلامی باید مورد توجه قرار گیرد (باشیاری، تعمیق متأثبات ایران با کشورهای این مقطع در حوزه فرهنگی- که فراهم کشیده ازینه تعامل جدی در سایر حوزه‌هاست- موطّد به شناسایی مؤلفه‌های مشترک فرهنگی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای مطلع از قابل مشترکات زبانی، دینی، تاریخی و سیرت فرهنگی و درگ مؤلفه‌های تهدید کشیده این مشترکات فرهنگی همچون اسلام‌گرایی‌فرانس و قسم‌گرایی‌سواءست بودارهند.)

کلام پایانی

فرونشی اتحاد جماهیر شروری و تأسیس جمهوری های تاکه استقلال پاکه در آسیای مرکزی، یکی از مهم‌ترین تحولات تاریخ معاصر به شمار می‌رود. این تحولات، نه تنها واقعیت‌های مرسوط به مردم‌های سیاسی را تغییر داد، بلکه چهره متأثبات جدیدی را بر عرصه مسائل اقتصادی و فرهنگی میان این کشورها و کشورهای دیگر گشود. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهای مهم متفق و همسایه جنوبی آسیای مرکزی به طور همزمان در چهار حوزه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در مقطعه آسیای مرکزی از فرصت‌های خاصی برخوردار بوده، و در عین حال، با مشکلات و چالش‌های خاصی نیز مواجه است. بطور متعض، دستیابی به تحلیل واقعیت‌بناهه، فرآیند و کاربردی نسبت به هر یک از محورهای مسروطه اشاره می‌تواند به عنوان مقدمه ای مناسب و کارگشا برای پیشبرد هدایت رفتار خارجی این دولت در حوزه جغرافیایی آسیای مرکزی مفید باشد در هر صورت کاخش ضرب مذهب عوامل بحران اگرین و اتسدیل کردن نهادهای ها و چالش‌های موجوده به فرمت های معرفه نظر، در کنار تقویت و تعمیق فرصت‌های موجود یکی از اندیشه ای این و در عین حال تأثیر نهاده، نهایت کارکردی است که نظام تصمیم‌سازی خارجی هر دولت چون ایران در ارتباط با "منطقه حساس" چون آسیای مرکزی باید داشته باشد.

کتابخانه

- آیدین، مصطفی. (۱۳۸۰). *مریم‌خانی: دانشمند سیاستی در آسیای مرکزی و خفواره*.
فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و افغانستان، ش. ۳۶، ص. ۱۶۲.
- ابراهیمی، ترکمان، ابراهیم، انتش نژادیگ در توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران با
کشورهای آسیای مرکزی و فصلنامه آسیای مرکزی و افغانستان.
- احظی، هادی. (۱۳۸۷). *استیل عربی زنده‌بیک بر مبنای جاود جمهوری های آسیای*
مرکزی. *ماعت: اطلاعات راهبردی*. سال ششم، ش. ۳۲، ص. ۱۲.
- امیر احمدیان، بهرام. (۱۳۸۲). *هزارگزه آسیای مرکزی: همکاری های متعاقب در ظلم*
استراتژیک تونین. *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و افغانستان*، ش. ۳۴، ص. ۲۰۷.
- امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۲). *ستراتژی در داشتگان، اکسپریز هزارگزه آسیای مرکزی:*
همکاری های متعاقب در خدام استراتژیک تونین. *فصلنامه سیاست خارجی: مسائل هندسه*. ص.
- ایگانی، اهلی‌رشاد. (۱۳۸۱). *اصولیت توانیش جمهوری اسلامی ایران و تئورهای آسیای*
مرکزی و فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و افغانستان، ش. ۳۷، ص. ۲۲.
- بهری، محمد علی و ایزدی زمان آیادی. (۱۳۸۳). *مذگان: دعده بیان*
خارجی آمریکا در آسیای مرکزی. *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و افغانستان*. ش. ۴۸، ص. ۱۳۰ - ۹۱.
- حکمی، عقیل، مصود (۱۳۸۶). *اعیان فرهنگی ایران و کشورهای آسیای مرکزی و برگرفته*
از چکیده مذاکه‌های ارائه شده در همایش آسیای مرکزی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه فردوسی مشهد.
- حاجی بوسلی، امیرمحمد (۱۳۸۱). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرسو*
تحولات منطقه‌ای (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه) چاپ دوم، ص. ۱۱۰.
- حاجی بوسلی، امیرمحمد (۱۳۸۱). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرسو تحولات*
منطقه‌ای (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه) چاپ دوم، ص. ۷۷.
- حسانی، محمد حسن. (۱۳۸۴). *نشان سازمان انتیت و همکاری اروپا در کشورهای متعاقب*

اور پایه اصلی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش. ۱۲۷ و ۱۲۸

رهنما، محمد رحیم، (۱۳۸۵)، «فصل میراث فرهنگی - ایرانی اسلامی آسیان یا به در تقویت فرهنگی ایرانی حوزه نوآوری مطابق»، برگزاره از چهاردهمین مراسم انتشار کتاب در همایش آسیای مرکزی و سیاست

عمر جمیلی، تالیف، (۱۳۸۱)، «ایران و محیط انتیس سیاسی آسیای مرکزی پس از ۱۱ سپتامبر»، مطالعات

آسیای مرکزی و قفقاز، ش. ۱۰۵ و ۱۰۶

نیزاری، ابوالحسن، (۱۳۸۴)، «شناسنامه فرموده انتشار گردید» در آسیای مرکزی، مجله دانشکده علوم انسانی و

علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ش. ۹۶

علیزاده، علی، (۱۳۸۰)، «گاه انتیس به مباحثت حوزه ایرانی خبر»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۸

قرنفلس، مسعود، (۱۳۷۸)، «عنتیبات اتحادیه اروپا و کشورهای جنوب قفقاز»، مطالعه دیدگاهها و اندیشه، شماره ۱۳، ص. ۵۹

کسوایی، الهـ، (۱۳۸۰)، «هم تکبیس فرهنگی در دو سوی جهان»، مطالعه مطالعات آسیای

مرکزی و قفقاز، ش. ۳۶ ص. ۹۰ - ۷۷

_____. (۱۳۸۱)، «مسازی مسروک جهیزه از آسیای مرکزی تهران»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چ. اول، ص. ۲۶ و ۲۷

مجتبه‌زاده، پیروز، (۱۳۸۱)، «مسروک پسر سر دو راهی فرهنگی و هنری»، بررسی راههای گسترش هنرکاری ایران و کشورهای آسیای مرکزی؛ ترجمه و تأثیر کسر کالیخ، مطالعه مطالعات خاورمیانه، سال پانزدهم، ش. ۱ و ۲، ص. ۲۶۹

نقیب زاده، احمد، (۱۳۸۲)، «اصعاده ایرانی از اغفار ناصری»، نشر قومی، ص. ۱۱

منکی، عباس، (۱۳۸۲)، «ایران در سیاست خاورمیانه ایرانی همه بارگران همین است؟»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش. ۱۳ ص. ۱۶۹

مردم‌سی، رسول، (۱۳۸۴)، «مساعلات دگرگوییه علمیه هم‌شهری دیلماتیک»، ش. ۷۲، ص. ۱ و ۵

هاتینگتون، ساموئل پس، (۱۳۸۵)، «رسوره انسانی و پژوهشی ایرانی جهان»، ترجمه محمد

- علی حمید، رفیعی، دفتر پژوهش های فرهنگی، چاپ اول، ص ۲۲۲.
- واعظی، محسن، (۱۳۸۵)، «تحولات سازمان همکاری شانگهای و عضویت ایران»، انتشارات مطالعات آسیای مرکزی و خلیج، شماره ۹۷.
- «سازمان همکاری شانگهای و ایران نگاه دراز سدت»، سنه هشتاد و دویست و یک سال اول، شماره سوم، ص ۱۵.

Blank, Stephan(۱۳۸۵),The Shanghai Cooperative(SIC)

organization:post-mortem or Prophecy”Cef quarterly;the Journal of the China-Eurasia Forum Special edition.

Cornel, Svante, E. (۱۳۸۴): “Autonomy as a Source of Conflict: Caucasian Conflicts in Theoretical Perspective”, World Politics.

Mojtahed-Zadeh, Pirouz (۱۳۸۵) "The Caspian Between Conflict and Cooperation", (in Eurasia: A New Peace Agenda), The United states Elsevier, ,p ۱۸۱.

Pauline Jones, Luong(۱۳۸۵) , Institutional Change and Political Continuity in Post-Soviet Central Asia , (Cambridge University Press.